

نقش آموزش در توسعه‌ی فعالیتهای غیر زراعی مورد مطالعه: مناطق روستایی شهرستان سمیرم

سید امیرمحمد علوی زاده^۱، مهدی کرمانی^۲

چکیده

آموزش یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه و از زاویه‌ی دید متفاوتی خود یکی از ابزارهای اصلی در تحقق اهداف مختلف توسعه به ویژه توسعه پایدار به حساب می‌آید. دلیل عمده این قضیه اهمیت است که منابع و سرمایه‌های انسانی به عنوان پایه‌های اصلی ثروت هر ملت در مدل‌های مختلف توسعه از آن برخوردارند. از منظر توسعه‌ی روستایی آموزش و یادگیری دو ابزار بسیار قدتمند برای مقابله با فقر روستایی و رسیدن به توسعه پایدار هستند. در استراتژی اقتصاد غیر زراعی روستایی نیز از آموزش و مهارت به عنوان یکی از عوامل اساسی در تحقق الگوهای پیشنهادی یاد شده است. در این پژوهش به بررسی رابطه بین برخورداری از آموزش و پرداختن به فعالیت غیر زراعی در بین خانوارهای روستایی شهرستان سمیرم پرداخته شده است. بررسی این رابطه از طریق انتخاب نمونه‌ای به حجم ۴۲۳ نفر از خانوارهای ساکن در ۲۵ روستای شهرستان سمیرم، صورت گرفت. روش اصلی این تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌های بخش میدانی پرسشنامه محقق ساخته بوده است. تحلیل داده‌ها در محیط نرم افزار Spss و عمدتاً از طریق بررسی معناداری اختلاف میانگینها در دو گروه دارنده و فاقد تنوع در فعالیتهای اقتصادی انجام شده است. بررسی‌ها وجود اختلاف معنادار در میانگین میزان برخورداری از آموزش و نیز نمره دسترسی به خدمات ترویجی بین دو گروه مذکور را مورد تأیید قرار داد. در نتیجه به نظر می‌رسد اهتمام ویژه به ارتقاء کمی و کیفی آموزش‌های عمومی، فنی و حرفه‌ای و ترویجی در مناطق روستایی می‌تواند بر گرایش روستائیان به سمت تنوع بخشی به فعالیت‌ها و به تبع آن منابع درآمدی‌شان به نحو مثبتی اثرگذار باشد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد غیر زراعی، آموزش، توسعه پایدار، توسعه روستایی، سمیرم.

^۱ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۱۲۱۱۹۰۵، alavipnu@gmail.com

بیان مسأله :

از میان ضوابط کیفی گوناگون جمعیت، میزان فراگیری آموزش و سواد به واسطه‌ی هماهنگی قابل توجه با درجه پیشرفت اجتماعی- اقتصادی یک سرزمین جایگاه مهمی را دارا است (نظری، ۱۳۷۶: ۹۵). جامعه‌ای که از نظر آموزش و تخصص، از موقعیت مناسبی برخوردار نباشد، امکان ارتقای کیفی جمعیت آن وجود ندارد. سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی، علاوه بر ارتقای کیفی جمعیت یک سرزمین، دارای مزایای مادی نیز روشنی نیز است. بررسی‌های انجام شده در نواحی روستایی، گویای این واقعیت است که سودآوری سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی بیش از سرمایه‌گذاری بر روی نهاده‌های تولید و تأسیسات بوده است. انسان آموزش دیده و ماهر، قدرت و کارایی بالایی داشته و لذا بیشینه‌ی بهره‌وری را در کاربرد عوامل تولید حاصل خواهد کرد. در حالی که انسان غیرماهر، قدرت به کارگیری بهینه عوامل تولید را نداشته، سرمایه‌گذاری‌ها را نیز به هدر می‌دهد و از امکانات کارایی مناسب به دست نمی‌آورد. به این لحاظ میزان سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی در راستای ارتقای کیفی آن و افزایش سطح مهارت‌ها و تخصص‌ها با سطح توسعه‌یافتگی به ویژه در مناطق روستایی نسبت مستقیمی خواهد داشت (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

باید توجه داشت که فضا و خصیصه‌های شناخته شده روستاها به سرعت در حال تغییر است. در این وضعیت در حال تحول، کشاورزی به واسطه تغییر در تکنولوژیهای جدید، تولیدات، بازارها و محیط‌های تجاری و غیره تکافوی نیاز روزافزون به فرصت‌های شغلی جدید به ویژه برای جوانان روستایی را نمی‌کند. بنابراین بسیاری از مردم روستایی یا باید به فعالیتهای غیرزراعی بپیوندند یا به نواحی شهری مهاجرت کنند. در چنین شرایطی، روستائیان نیاز به مهارتهایی دارند که با داشته‌های پیشینیانشان متفاوت است. اما در اغلب نظام‌های آموزشی و یادگیری بالأخص در مناطق روستایی کشورهای کمتر توسعه یافته آمادگی لازم جهت روبرو شدن با این چالش را ندارند (WorldBank, 2005: 222).

برای دستیابی به درکی جامع در زمینه‌ی مورد بحث، در این تحقیق تلاش شده است تا ضمن بررسی نظری نقش آموزش در توسعه فعالیتهای غیرزراعی، نمونه‌ای تجربی در این زمینه نیز مورد مطالعه قرار گیرد تا نهایتاً امکان ارائه راهکارهایی جهت اصلاح ساختار اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی در منطقه سمیرم فراهم گردد. در این راستا فرضیه زیر مطرح می‌شود:

- بین میزان برخورداری روستائیان از آموزش و فعالیتهای غیر زراعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

مبانی نظری :**آموزش و توسعه :**

آدام اسمیت معتقد است: آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه‌گذاری بر روی آنهاست. با آموزش، افراد توانا تر خواهند شد و رشد قابلیت‌های آنان سبب می‌گردد که نه تنها خود به درآمد بیشتری نایل گردند، بلکه جامعه نیز از سرمایه‌گذاری در آنها منتفع گردد. به عقیده اسمیت انسانها با آموزش به سرمایه مبدل می‌شوند و جامعه می‌تواند از توان تولید آنها به صورت بهتری بهره‌مند گردد (عمادزاده، ۱۳۷۴: ۶). بنابر عقیده شولتز توانایی‌های اکتسابی انسان‌ها مهم‌ترین منبع رشد بهره‌وری و توسعه اقتصادی به حساب می‌آید و آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌گذاری در انسان دارای نقش مؤثری در رشد و توسعه جوامع است. هاربیسون عقیده دارد: منابع انسانی پایه‌های اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند در حالی که منابع طبیعی عوامل تبعی تولید هستند. در واقع انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را متراکم می‌سازند و توسعه‌ی ملی را به جلو می‌برند (قبلی: ۲۴).

آموزش، نیروی کار را قادر می‌سازد که از ماشین‌آلات، تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته بهتر استفاده نماید. در واقع آموزش افراد را آماده می‌کند تا با علاقه‌ی بیشتر از تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته در تولید استفاده نموده و در کاربرد آنها از خود دقت و فراست بیشتری نشان دهند و از طرف دیگر آموزش و پرورش ظرفیت و بینش علمی- تکنولوژی افراد را برای انجام تحقیقات کاربردی، اختراع و اکتشافات افزایش و گسترش داده و موجب می‌گردد تا نیروی انسانی خود را با تغییرات و تحولات مداومی که در تکنولوژی کالاهای سرمایه‌ای ایجاد می‌شود، تطبیق دهند (فاتحی، ۱۳۷۶: ۴۵).

جان گالبرایت، اقتصاددان آمریکایی، توسعه پایدار را آن‌گونه توسعه‌ای توصیف می‌کند که بر مبنای اقتصاد دانش استوار

شده باشد. او معتقد است در اقتصاد دانش بنیان، عمل‌آوری منابع به عمل‌آوری اطلاعات و دانایی تبدیل می‌شود. در این وضعیت دو اصل توسعه پایدار، «شروع کنندگی» و سپس «شتاب دهندگی» است. بر این اساس سه رکن فرمانده، فرمان و فرمان‌بر در فرایندهای توسعه‌ای رایج در کشورهای در حال توسعه می‌بایست به ارکانی که بر پایه دانایی استوار است یعنی اقناع کننده - دانش و معرفت - اقناع شونده مبدل شوند (تصدیقی، ۱۳۸۲: ۱۴).

دلایل متعددی برای چگونگی نقش آموزش در بهره‌وری اقتصادی وجود دارد که برخی از آنها در ادامه آورده شده است:

- اندوختن فردی مهارت‌ها آنها را به افزایش بهره‌وری قادر می‌سازد.
- یادگیری در مدارس آنها را برای دریافت تکنولوژی‌ها و تجارب جدید آماده می‌کند.
- برخورداری از آموزش کارآیی فردی را در سازمان‌های مدرن تولیدی افزایش خواهد داد.
- آموزش جامعه‌پذیری افراد را برای زیستن در یک جامعه مدرن امکان‌پذیر می‌کند.
- یادگیری تفکر در مدرسه، یادگیری مهارت‌های خارج از مدرسه را نیز تسهیل خواهد کرد (Maulton, 2002: 4).

آموزش و توسعه روستایی :

آموزش و یادگیری دو ابزار بسیار قدرتمند برای مقابله با فقر روستایی و رسیدن به توسعه پایدار هستند (FAO & UNESCO, 2003: 29). اهمیت آموزش‌های پایه و اولیه برای بهبود زندگی فردی روستائیان همچون دیگر افراد مورد توافق است. علاوه بر این آموزش‌های پایه بهره‌وری کشاورزان را بهبود می‌بخشد. آموزش همچنین می‌تواند تسهیلاتی را برای اشتغال غیرزراعی و توسعه اقتصادی در نواحی روستایی فراهم کند. به طوری که در یک وضعیت برابر خانوارهای برخوردار از آموزش از بهره‌وری به مراتب بالاتری هم در بخش زراعی و هم در بخش غیر زراعی برخوردار بوده‌اند. در همین زمینه کشاورزان موفق سود ناشی از آموزش عمومی با هزینه پایین را مورد تأکید قرار داده‌اند. از سوی دیگر بهره‌مندی از آموزش بهتر آنها را قادر به دسترسی به بازارهای سودمند نیروی کار غیر زراعی روستایی نموده است (Paswel & et al, 2003: 3).

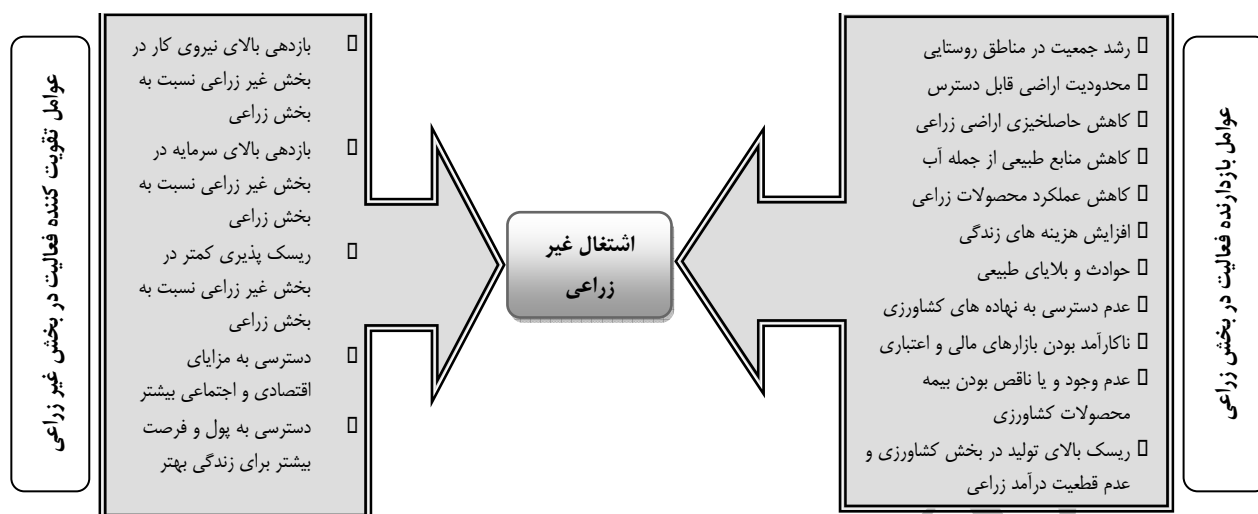
اقتصاد غیر زراعی و توسعه روستایی :

بانک جهانی در استراتژی موسوم به «از تصور تا عمل» به این مسأله اذعان نموده است که فقرزدایی می‌بایست از روستا شروع گردد و نکته مهم در این راستا توجه به ایجاد فرصت‌های شغلی غیر زراعی در فضاهای روستایی است. بر اساس رویکرد جدید بانک جهانی رشد بخش کشاورزی برای فقرزدایی در کشورهای در حال توسعه یک ضرورت اساسی است. اما بدون رشد در فعالیت‌های تولیدی درآمدزای غیر زراعی روستایی، تلاش‌ها به منظور فقرزدایی روستایی با موفقیت همراه نخواهد بود (مؤسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۵).

بخش غیر زراعی غالباً به عنوان مسیر ویژه‌ای جهت خروج از فقر روستایی قلمداد می‌گردد (Lanjouw, 2001: 5). مطالعات متعددی که در کشورهای در حال توسعه انجام شده است رابطه مثبت بین فعالیتهای غیر زراعی و افزایش میانگین رفاه خانوارهای روستایی را به اثبات رسانده است (Barrett & et al, 2001: 3). به طور کلی اشتغال غیر زراعی از پتانسیل بالایی جهت کاهش نابرابری، جذب نیروی کار در حال رشد مناطق روستایی، کاهش مهاجرت روستا شهری و افزایش درآمد ملی برخوردار است (Lanjouw & et al, 2001: 7). همچنین فعالیتهای غیر زراعی طیف گسترده‌ای از فعالیتها مانند صنعت، صنایع دستی، خدمات، حمل و نقل، ارتباطات و تجارت را در بر می‌گیرد. تجربیات کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که فعالیتهای این بخش در ایجاد درآمد و اشتغال نقش مؤثر داشته است (پاسبان، ۱۳۸۶: ۳).

عوامل گوناگونی در تمایل روستائیان به اشتغال در فعالیتهای غیر زراعی مؤثر هستند که مهم‌ترین آنها در قالب نمودار شماره ۱ نشان داده شده است.

نمودار ۱- عوامل مؤثر در گرایش روستائیان به فعالیتهای غیر زراعی



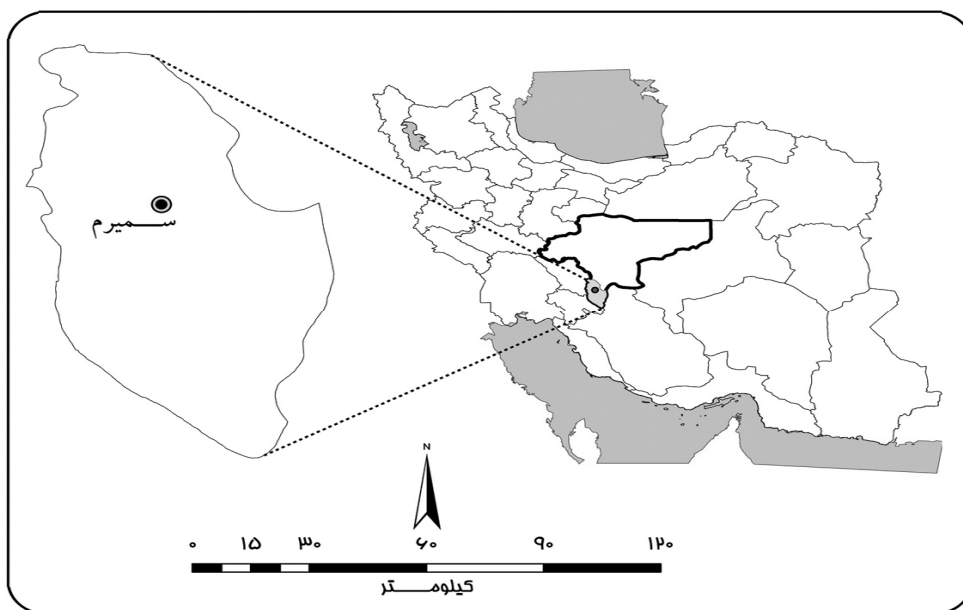
مأخذ: پاسبان، ۱۳۸۶، با اضافات از نگارنده.

روش تحقیق :

در پژوهش حاضر از روش توصیفی- تحلیلی برای بررسی پارامترهای مورد نظر استفاده شده است. برای جمع آوری داده- های مورد نیاز از پرسش نامه محقق ساخته استفاده گردیده است. روایی پرسشنامه تهیه شده از طریق روایی صوری و محتوایی و با تأیید اساتید و کارشناسان مربوطه انجام شد. پایایی ابزار تحقیق نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با مطالعه مقدماتی در بین ۳۰ نفر از جامعه آماری مورد مطالعه در چهار روستای دیده جان، مهرگرد، خفر و قنات مورد ارزیابی قرار گرفت. در مرحله بعد از بین ۱۰۲ روستای شهرستان سمیرم ۲۵ روستا بعنوان روستای نمونه انتخاب و در نهایت با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۲۳ خانوار بعنوان خانوارهای نمونه از بین روستاهای فوق الذکر بطور تصادفی انتخاب گردیده و پرسشنامه های تدوین شده از طریق مصاحبه با سرپرستان خانوارهای نمونه تکمیل شد. در مراحل بعدی تحقیق استخراج داده های گردآوری شده در قالب پرسشنامه با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Excel صورت گرفته و از آزمون های آماری مرتبط جهت آزمون فرضیه استفاده شده است.

منطقه مورد مطالعه :

شهرستان سمیرم با مساحت ۵۲۲۴ کیلومتر مربع در جنوب غربی استان اصفهان با مختصات جغرافیایی "۵۲،۱۷، ۵۱ تا "۰، ۳، ۵۲ طول شرقی و "۳۱، ۴۲، ۳۰ تا "۰، ۵۱، ۳۱ عرض شمالی واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان شهرضا، از شرق به آباد و اقلید، از جنوب غربی با استان کهگیلویه و بویراحمد و از غرب به بروجن و لردگان محدود می شود. (نقشه شماره ۱). این شهرستان با حدود ۹/۴ درصد از مساحت استان اصفهان نزدیک به ۱/۶ درصد از جمعیت استان را در خود جای داده و بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی دارای دو بخش مرکزی و پادنا و شش دهستان به نامهای وردشت، حنا، ونک، پادنا، سفلی، پادنا، وسطی و پادنا، علیا و چهار نقطه شهری بنام های کمه، سمیرم، ونک و حنا می باشد و جمعیت آن بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن ۷۳۰۴۵ نفر بوده است که از این تعداد ۳۶۹۸۹ نفر (۵۰/۶٪) شهری و ۳۵۱۶۸ نفر (۴۸/۱۴٪) روستایی بوده اند (مدیریت جهادکشاورزی شهرستان سمیرم، ۱۳۸۷).



نقشه شماره ۱- موقعیت سیاسی - جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

وضعیت عمومی سواد در منطقه مورد بررسی :

در سال ۱۳۸۵، در حدود ۸۱/۹۹ درصد از افراد ۶ ساله و بیشتر شهرستان سمیرم، باسواد بوده‌اند. نسبت باسوادی در گروه سنی ۶-۱۴ ساله ۹۷/۹ درصد و در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر ۷۰/۰۹ درصد بوده است. این نسبت در نقاط شهری ۹۳/۵ و در نقاط روستایی ۷۴/۸ درصد بوده است. همچنین نسبت باسوادی در بین مردان ۸۹/۱ درصد و در بین زنان ۷۵/۲ درصد بوده است. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- توزیع جمعیت باسواد منطقه مورد مطالعه برحسب سطوح تحصیلی

مناطق روستایی			مناطق شهری			کل شهرستان			محدوده مورد مطالعه
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل باسوادان
۷۹/۴	۵۵/۷	۶۰/۹	۶۴/۶	۵۵/۴	۶۰/۸	۶۴/۸	۵۸/۷	۶۲/۸	ابتدایی
۱۳/۶	۳۱/۵	۲۶/۹	۱۳/۱	۱۷/۶	۱۵/۴	۲۰/۹	۲۴/۶	۱۹/۷	راهنمایی
۲/۹۹	۹/۶	۸/۰۵	۱۶/۶	۱۸	۱۵/۸۷	۵/۶	۹/۴	۷/۴	متوسطه
۰/۱۱	۰/۸	۰/۳۵	۴/۳	۸/۱	۶/۷۳	۱/۲	۵/۳	۴/۳	دوره های آموزش عالی
۰/۸۱	۰/۶۵	۰/۷۳	۰/۷۹	۰/۶۲	۰/۶۷	۰/۷۵	۰/۶۴	۰/۷۱	نامشخص و اظهار نشده

منبع: استانداری اصفهان، ۱۳۸۸.

بر اساس جدول بالا وضعیت سواد برحسب سطوح تحصیلی در منطقه شرایط چندان مناسبی را نشان نمی‌دهد. مهم‌ترین دلایل این مسأله را باید در عدم وجود مراکز آموزشی و امکانات لازم، مشکلات فرهنگی و اجتماعی خصوصاً قالب‌های فرهنگی حاکم بر منطقه بویژه نواحی روستایی آن دانست. از سوی دیگر دقت در آمار مربوط به سطوح تحصیلی نشان از افت شدید در سطوح بالاتر از ابتدایی به ویژه در مناطق روستایی و برای زنان است که به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل آن فقدان مدارس راهنمایی و بالاتر به جز در روستاهای مرکز دهستان و مشکلات رفت آمد بویژه با توجه به مسایلی چون سن افراد، بعد مسافت، فقدان وسایل حمل و نقل مناسب و سرمای شدید هوا در بخش اعظم سال تحصیلی است.

یافته‌های توصیفی تحقیق :

سطح آموزش و سواد :

بر پایه داده‌های به دست آمده در حدود ۸۳ درصد از کل فعالان اقتصادی مورد بررسی دارای سواد ابتدایی یا بیسواد بوده‌اند و غالباً سواد ابتدایی آنها نیز شامل توانایی خواندن و نوشتن بوده است و این واقعیت که تنها ۱۳/۶ درصد دارای دیپلم و بالاتر بوده‌اند نشان از چالش اساسی در بخش آموزش و دشواری آموزش مفاهیم اقتصادی و نیاز به تلاش مضاعف از سوی کارشناسان ترویج برای ایجاد تغییر و افزایش آگاهی خواهد داشت و از سوی دیگر وجود این میزان از تحصیلات بعنوان یکی از شاخص‌های منفی اجتماعی دستیابی به پایداری را در بلند مدت دچار مشکل خواهد نمود.

همچنین در بررسی میزان سواد بهره‌برداران دریافت می‌شود که تنها حدود ۳/۳ درصد از آنها دارای تحصیلات فنی و مرتبط با امور عملی بوده‌اند و سایر فعالان دارای تحصیلات نظری و غیر مرتبط با امور اقتصادی موجود در روستا یا قابل انجام در آن بوده‌اند. در نهایت توزیع سطح تحصیلات در روستاهای مورد بررسی نشان دهنده آن است که وضعیت سواد و آموزش در بین فعالان بخش پادنا نسبت به بخش مرکزی دارای وضعیت نامطلوب تری می‌باشد بطوری که ۳۴/۷ درصد بیسواد بوده و ۵۳ درصد دارای سواد ابتدایی می‌باشند. (جدول شماره ۲). این مسأله تا حدودی می‌تواند تحت تأثیر ساختارهای نهادی در گذشته بوده باشد بطوری که انزوای جغرافیایی روستاهای بخش پادنا و فقدان امکانات لازم جهت تحصیل و ادامه آن در روستاهای این بخش در بدست دادن چنین وضعیتی بسیار مؤثر بوده است.

جدول ۲- سطوح تحصیلی فعالان اقتصادی مورد بررسی به تفکیک بخش و دهستان

تقسیمات سیاسی		سطوح تحصیلی											
		بیسواد		ابتدایی		راهنمایی		دبیرستان نظری		دبیرستان فنی		بالاتر	
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
بخش مرکزی	وردشت	۵۱	۵۲,۵۷	۲۵	۲۵,۷۷	۵	۵,۱۵	۵	۵,۱۵	۴	۴,۱۲	۷	۷,۲۱
	حنا	۸	۶۱,۵۳	۵	۳۸,۴۷	-	-	-	-	-	-	-	-
	ونک	۸	۴۰	۵	۲۵	۱	۵	۲	۱۰	۱	۵	۳	۱۵
بخش پادنا	پادنای علیا	۳۹	۳۷,۱۴	۵۸	۵۵,۲۳	۲	۱,۹	۴	۳,۸	-	-	۲	۱,۹
	پادنای وسطی	۲۷	۲۹,۳۴	۴۸	۵۲,۱۷	۱	۱,۰۸	۴	۴,۳۴	۸	۸,۷	۴	۴,۳۴
	پادنای سفلی	۲۴	۳۷,۵	۳۳	۵۱,۵۶	۱	۱,۵۶	۳	۴,۶۸	-	-	۳	۱,۵۶

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

در ارتباط با وضعیت تحصیلی اعضای خانوارهای روستایی در منطقه مورد مطالعه، پس از محاسبه نتایج مربوط به هر یک از روستاها، جدول شماره ۳ در سطح دهستان ارائه گردیده است.

جدول ۳- وضعیت تحصیلی اعضای خانوارهای مورد بررسی به تفکیک دهستان

تقسیمات سیاسی		سطوح تحصیلی				
		بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان نظری	دبیرستان فنی
بخش مرکزی	وردشت	۱۱,۳	۲۸,۵	۳۱,۰۵	۱۹,۳	۹,۴
	حنا	۱۳,۰۷	۲۳,۴	۲۹,۷	۲۳,۲	۱۰,۶۳
	ونک	۲۵,۲۵	۲۰,۷	۲۲,۰۹	۲۳,۱	۸,۸۶
بخش پادنا	پادنای علیا	۱۹,۵	۴۹,۸	۱۷,۳	۱۱,۵	۱,۹
	پادنای وسطی	۱۸,۳	۵۹,۲	۱۸,۰۵	۴,۰۹	۰,۳۶
	پادنای سفلی	۱۸,۹	۴۶,۵۷	۲۲,۱۵	۱۱,۷	۰,۶۸

نکته بسیار مهمی که در ارتباط با میزان تحصیلات اعضای خانوارهای مورد بررسی قابل ذکر است وجود درصد قابل توجه افرادی با سنین کمتر از ۱۵ سال با تحصیلات حداکثر ابتدایی است. این مسأله در مورد دختران وضعیت بسیار نامطلوب تری دارد. اغلب دختران در خانوارهای مورد بررسی دارای سواد ابتدایی بوده‌اند. چنین وضعیتی تا حدودی تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی سنتی از یک سو و فقدان مراکز آموزشی در روستا و مخالفت خانواده ها با جابجایی دختران خود بین روستا و مراکز یاد شده در سایر نقاط از دیگر سو است.

نکته دیگری که در ارتباط با مطالعه حاضر اهمیت دارد بررسی وضعیت آموزشی خانوارهایی است که علاوه بر فعالیتهای عمده موجود در منطقه در فعالیتهای اقتصادی متعددی جهت تأمین درآمد خانوار شرکت داشته‌اند. نشانگر وضعیت به مراتب مطلوب‌تر این خانوارها در رابطه با متغیر مورد بررسی است به طوری که در حدود ۷۱/۶۶ درصد آنها دارای تحصیلات راهنمایی و بالاتر بوده‌اند. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- وضعیت تحصیلی خانوارهای دارای فعالیتهای غیر زراعی

سطوح تحصیلی	بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان نظری	دبیرستان فنی	بالاتر
درصد	۱۳,۸۹	۱۴,۴۴	۲۷,۶	۱۶,۸۹	۱۸,۲۴	۸,۹۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

نظام ترویج و دسترسی به آن :

جهت بررسی متغیر فوق الذکر مواردی همچون وجود کارشناسان ترویج در روستا، تعداد مراجعات کارشناسان به روستا جهت انجام آموزش‌های لازم، تعداد دفعات بهره‌مندی خانوارهای روستایی از آموزش‌های ارائه شده از سوی آنها، فاصله روستا تا مراکز ترویج (اعم از دولتی و یا مراکز خدمات مشاوره)، دسترسی روستائیان به کارشناسان مذکور و بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی کوتاه مدت ارائه شده در مراکز آموزشی خارج از روستا مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج بدست آمده در محل سکونت ۱۲/۳ درصد از پاسخگویان کارشناسان ترویج حضور داشته‌اند در حالی که ۸۷/۷ درصد از پاسخگویان ساکن در روستاهایی فاقد مراکز ترویجی و کارشناسان ترویج حاضر در روستا بوده‌اند که این مسأله نیز عمدتاً ناشی از استقرار مروجان در مراکز خدمات و ترویج جهادکشاورزی مرکز دهستان است.

در رابطه با مراجعه مروجان به روستاها ۹۵/۵ درصد از پاسخگویان عدم مراجعه و ۴/۵ درصد از آنها مراجعه حداقل یکبار در سال توسط کارشناسان را به روستای خود مورد تأکید قرار داده‌اند. در ارتباط با میزان بهره‌مندی از آموزش‌های ترویجی نیز یافته‌ها حکایت از وضعیت نه چندان مطلوب چنین آموزش‌هایی در محدوده مورد مطالعه دارد. بنحوی که در حدود ۶۲ درصد از پاسخگویان از هیچ‌گونه دوره آموزشی برخوردار نبوده و در حدود ۳۴ درصد نیز از ۱ تا ۲ بار از چنین آموزش‌هایی استفاده نموده‌اند. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- دفعات بهره‌مندی از آموزش‌های ترویجی

تعداد دفعات	درصد	درصد تجمعی
۰	۶۱,۹	۶۱,۹
۱	۲۳,۸	۸۵,۷
۲	۱۱,۱	۹۶,۸
۳	۳,۲	۱۰۰

نکته قابل توجه در این ارتباط آن است که در حدود ۷۴/۸ درصد از افرادی که از آموزش‌های ترویجی استفاده کرده و یا مایل به بهره‌مندی از چنین دوره‌هایی بوده‌اند دارای میانگین تحصیلات بالاتری نسبت به سایرین بوده‌اند و در سایر حوزه‌های اقتصادی نیز فعالیت داشته‌اند که می‌تواند نشان دهنده آگاهی چنین افرادی از سودمندی آموزش‌های ارائه شده توسط مراکز ترویجی از یک سو و تأثیر چنین آموزش‌هایی در گسترش حوزه فعالیتهای اقتصادی و مدیریتی از دیگر سو باشد. از دیگر موارد در ارتباط با نقش ترویج و آموزش‌های آن در توسعه دسترسی آسان و در کمترین زمان می‌باشد. در این راستا،

شاخص فاصله مراکز ترویج تا روستاها دارای اهمیت بوده است. بررسی داده‌های حاصل در این زمینه بیانگر آن است که متوسط فاصله مراکز ترویجی در دهستان وردشت ۱۸/۳، ونک ۱۴، حنا ۱۰/۵، پادنای علیا ۱۸/۵، پادنای وسطی ۲۷ و پادنای سفلی ۶۲/۶ کیلومتر بوده است. از سوی دیگر هر کدام از مراکز خدمات کشاورزی مستقر در مراکز یاد شده بطور متوسط دارای ۵ نفر پرسنل بوده‌اند لذا عدم مراجعه یا برگزاری دوره‌های آموزشی توسط آنها و حتی مدیریت شهرستان در روستاهای تابعه هر کدام دارای توجیه چندانی مناسبی نخواهد بود. (جدول شماره ۶).

جدول ۶- فاصله مراکز ترویج کشاورزی تا روستاهای تابعه

نام روستا	فاصله (کیلومتر)	نام روستا	فاصله (کیلومتر)	نام روستا	فاصله (کیلومتر)	نام روستا	فاصله (کیلومتر)
خفر	۴۵	خینه	۳۶	کیفته گیوسین	۲۰	قنات	۱۹
دیده جان	۱۵	ماندگان	۷۶	چشمه خونی	۲۱	شیخ علی	۱۰
قلعه قدم	۱۴	پیراسفنه	۱۲	موروک	۱۳	ورق	۲۴
فتح آباد	۰	چشمه رحمان	۳۱	ده نساسفلی	۱۱	صادق آباد	۳۷
امیرآباد	۱۶	بارندسفلی	۱۲	پهلوشکن	۲۰	دنگزلو	۲۵
سرباز	۲۴	کیفته حسینی	۷	نقل	۲۶	رودآباد	۵۸
علی آباد	۷۳	میانگین	۲۵,۱۵				

اشتغال و فعالیت :

ساختار اشتغال روستائیان در منطقه مورد نظر از سه زاویه بررسی شده است. نخست فعالیت‌های عمده اقتصادی خانوارها شناسایی گردید که داده‌های حاصل در جدول شماره ۷ آورده شده است.

جدول ۷- فعالیتهای عمده اقتصادی در خانوارهای نمونه

فعالیت	درصد فعالان
منحصرا باغداری	۶۲,۷
پرورش دام و باغداری	۲۰,۰۵
باغداری، پرورش دام و سایر محصولات کشاورزی	۸,۶۸
فعالیت‌های غیرکشاورزی	۸,۵۶
جمع	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

در گام بعد فعالیت‌های غیر کشاورزی به عنوان یکی از زمینه‌های اشتغال و فعالیت در بین خانوارهای مطالعه شده مورد توجه خاص قرار گرفت که بر این اساس مشخص گردید حدود ۸/۵۶ درصد از کل شاغلان روستایی مورد نظر به فعالیت‌های غیرزراعی مشغول بوده‌اند. (جدول شماره ۸).

جدول ۸- فعالیتهای غیرکشاورزی و چگونگی توزیع آن

زمینه فعالیت	درصد فعالان
کارگری	۳۴,۱
قالیبافی	۸,۲
خدمات فنی و عمومی	۵۳,۶
پرورش ماهی	۲,۴
سایر موارد	۱,۷
جمع	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

سومین نکته مهم در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، ماهیت نیروی کار در ارتباط با خانوارها است. حدود ۸۴/۴ درصد از خانوارهای مورد مطالعه در این تحقیق دارای کارگر خانوادگی بوده‌اند. متوسط تعداد افرادی که در خانوار به عنوان نیروی کار درون خانوار مشغول بوده‌اند، ۲/۴ نفر بوده است (جدول شماره ۹). کار خانوادگی ضمن اینکه نشان دهنده استحکام روابط خانوادگی سنتی در این واحدها است، باعث انتقال دانش بومی و سنتی از نسل‌های پیشین به آیندگان می‌شود. از سوی دیگر باید در نظر داشت که وجود تعداد افراد بیشتری از خانوار در واحدهای اقتصادی خانوادگی در صورت محدودیت دیگر عوامل تولید در اختیار خانوار، می‌تواند نشان دهنده وجود بیکاری پنهان بوده باشد و در نتیجه بر سطح زندگی و رفاه خانوار اثرات سوئی را به دنبال داشته باشد.

جدول ۹- نیروی کار خانوادگی به تفکیک روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	تعداد افراد	نام روستا	تعداد افراد	نام روستا	تعداد افراد	نام روستا	تعداد افراد
خفر	۲,۵	خینه	۲,۷	کیفته گیوسین	۲,۳	قنات	۲,۵
دیده جان	۲,۶	ماندگان	۲,۸	چشمه خونی	۲,۱	شیخ علی	۳
قلعه قدم	۲	پیراسفنه	۲,۷	موروک	۲,۷	ورق	۱,۳
فتح آباد	۲,۳	چشمه رحمان	۲,۱	ده نساغلی	۳	صادق آباد	۲,۴
امیرآباد	۱,۶	بارندسغلی	۱,۹	پهلوشکن	۲,۳	دنگزلو	۲,۱
سرباز	۲,۷	کیفته حسینی	۲,۵	نقل	۱,۸	رودآباد	۲,۷
علی آباد	۲,۶	میانگین	۲,۴				

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹.

یافته‌های تحلیلی تحقیق:

به منظور بررسی رابطه بین بر خورداری روستائیان از آموزش و نوع فعالیت‌های اقتصادی آنها، با توجه به داده‌های موجود در این زمینه که توصیف آنها پیشتر آورده شده است به طریق ذیل عمل گردید:

ابتدا معناداری رابطه بین بر خورداری روستائیان از آموزش عمومی (نظری یا فنی) با بهره‌مندی آنها از فعالیت اقتصادی متنوع به کمک آزمون معناداری کای اسکوتر مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بدست آمده حاکی از معناداری رابطه بین این دو در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. (جدول شماره ۱۰).

جدول ۱۰- آزمون کای اسکوتر برای بررسی رابطه آموزش عمومی و فعالیت غیر زراعی

	مقدار ضریب	درجه آزادی	سطح معناداری
ضریب کای اسکوتر	۳۱,۵۹۲	۵	۰,۰۰
نسبت لایکلیهود	۴۳,۵۷۵	۵	۰,۰۰

همان‌گونه که از داده‌های جدول دو بعدی زیر (شماره ۱۱) نیز پیداست معناداری مذکور به نوعی معرف رابطه مستقیم سطح سواد و بر خورداری از منابع درآمدی متنوع است. یکی از موارد جالب توجه در داده‌های ارائه شده مربوط به پاسخگویان با تحصیلات فنی و حرفه‌ای بوده است که به استثنای دو مورد همگی آنها دارای منابع درآمدی متنوع بوده‌اند.

جدول ۱۱- رابطه سطح تحصیلات و فعالیت غیر زراعی

جمع کل	سواد					سطح تحصیلات تنوع فعالیت‌های درآمدزا
	بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان نظری	دبیرستان فنی	
دارای تنوع	۴۴	۲۹	۱۸	۹	۱۳	۱۴
فاقد تنوع	۱۴۳	۱۴۲	۴	۳	۲	۲
جمع کل	۱۸۷	۱۷۱	۲۲	۱۲	۱۵	۱۶

منبع: یافته‌های تحقیق.

در عین این که عمده پاسخگویان دارای سواد پایین (بیسواد یا سواد ابتدایی) بوده‌اند اما در گذار از گروه بیسواد به گروه دارای سواد ابتدایی جمعیت دارای تنوع منابع درآمدی جهش قابل توجهی داشته است در حالی که تعداد افراد فاقد تنوع چندان تغییری نسبت به وضعیت قبل نکرده است و این موضوع نشان دهنده اثرگذاری مثبت عامل آموزش بر گرایش به سمت متنوع‌سازی فعالیتهای اقتصادی در بین روستائیان است.

در مرحله دوم رابطه بین برخورداری روستائیان از آموزش‌های ترویجی و بهره‌مندی آنها از منابع متنوع درآمدی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون معناداری T- Test در این زمینه حاکی از تفاوت معنادار در میانگین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. (جدول شماره ۱۲).

جدول ۱۲- آزمون T test بررسی معناداری اختلاف میانگین برخورداری روستائیان از آموزش‌های ترویجی در دو گروه مورد بررسی

فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	آزمون t برای بررسی معناداری تفاوت میانگینها					آزمون لونس برای برابری واریانسها			
	خطای استاندارد	اختلاف میانگین	معناداری (دوطرفه)	درجه آزادی	آماره t	معناداری	آماره F		
کران بالا									
کران پایین									
۰,۷۴۹۷۵	۰,۲۳۶۶۴	۰,۱۳۰۵۲	۰,۴۹۳۲	۰,۰۰۰	۴۲۳	۳,۷۷۹	۰,۰۰۰	۵۰,۱۱۵	محاسبه با فرض برابری واریانسها
۰,۶۸۵۹۷	۰,۳۰۰۴۲	۰,۰۹۸۰۷	۰,۴۹۳۲	۰,۰۰۰	۴۱۷,۹۸۳	۵,۰۲۹			محاسبه با فرض عدم برابری واریانسها

مقایسه میانگین نمره دو گروه که در جدول شماره ۱۳ قابل مشاهده است بیانگر اثر پذیری مثبت و مستقیم متغیر تنوع فعالیتهای درآمدزا از متغیر برخورداری از آموزش‌های ترویجی بوده است.

جدول ۱۳- میانگین و انحراف معیار متغیر برخورداری از آموزش‌های ترویجی در دو گروه مورد بررسی

آموزشهای ترویجی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
خانوارهای دارای فعالیت های متنوع	۱۲۷	۰,۵۸۸۴	۱,۴۱۰۸	۰,۰۸۲۳
خانوارهای زارع	۲۹۵	۰,۰۹۵۲	۰,۵۹۹۱	۰,۰۵۳۴

نتیجه گیری :

روستاها در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده‌ای روبرو هستند که تضمین تداوم حیات پویای آنها را نیازمند یافتن راه‌حل‌ها و روش‌های جدید مقابله با مشکلات می‌سازد که خود می‌بایست مبتنی بر نوآوری و ابداع فرآیندهای روزآمد باشد. یکی از راهکارها برای نیل به این هدف، توجه به فعالیتهای غیر زراعی به عنوان یک استراتژی بنیادی است. انتظار می‌رود اتخاذ چنین استراتژی موجب ایجاد اشتغال، تثبیت جمعیت، بهره برداری بهینه از منابع طبیعی تجدیدشونده، ورود فعال اقتصاد روستایی در اقتصاد ملی و بین‌المللی، افزایش تولید و انباشت پس‌انداز گردد.

در این بین آموزش به عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای لازم هم برای دستیابی و هم برای تداوم بخشی به این گونه از فعالیتهای در مناطق روستایی است. فرضیه محوری تحقیق حاضر برای بررسی همین موضوع ارائه شد و مورد واکاوی نظری و تجربی قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها که مبتنی بر مقایسه دو گروه از خانوارهای فعال در بخش زراعی و غیر زراعی بود، فرضیه اصلی تحقیق را مورد تأیید قرار داد. به عبارت دیگر بهره‌مندی خانوارهای روستایی از آموزش‌های عمومی، فنی و حرفه‌ای و ترویجی به وضوح تأثیر مثبتی بر بسط گرایش به فعالیتهای غیرزراعی داشته است. در نتیجه می‌توان ادعا نمود همان‌گونه که این تحقیق و تحقیقات مشابه (برای مثال: سیف الهی، برقی و قنبری، ۱۳۸۹؛ کامیابی و همکاران، ۱۳۸۹) نشان می‌دهند بهبود مهارتها، آگاهی‌ها و دانش پیش شرط دستیابی روستائیان به کارها و فعالیتهای کارآتر اقتصادی است.

یکی از راهکارهای عمده در این ارتباط افزایش سطح استانداردهای آموزشی در مدارس است. به علاوه برگزاری دوره‌های

آموزشی هدفمند و کاربردی برای بزرگسالان، نقش مهمی در تربیت روستائیان ماهر و کارآزموده خواهد داشت. در این زمینه مهارت‌های زیر می‌بایست مورد توجه ویژه قرار گیرد:

- مهارت‌های علمی و فنی براساس فعالیت‌های دارای توجیه اقتصادی در محل زندگی؛
- مهارت‌های مدیریتی شامل مدیریت مالی و بازاریابی؛
- مهارت‌های کارآفرینی شامل توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید بازار و ارائه راه حل‌های نوآورانه در مقابله با چالش‌ها؛
- مهارت‌های فردی شامل خود اتکایی، اعتماد به نفس، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری.

از دیگر مواردی که در این تحقیق بررسی شد، آموزش در قالب فعالیت‌های ترویجی بوده است. ترویج با کمک مراکز آموزشی و تشکل‌های دولتی و غیردولتی دارای تجربه و صلاحیت در امور کشاورزی، فعالیت‌های غیرزراعی و امورات مبتلا به زندگی کاری روستائیان می‌تواند گامی مؤثر و عمیق در جهت توسعه پایدار روستایی به حساب آید. در بازدیدهایی که از مراکز فعال در زمینه ترویج در منطقه مورد مطالعه انجام شده است بسیاری از مروجین مدعی بوده‌اند که درگیر شدن با فعالیت‌های اجرایی از جمله حواله نویسی کود و سم سبب شده است که از وظیفه اصلی خود یعنی آموزش اثربخش روستائیان، فاصله بگیرند و این امر به نوبه‌ی خود خدشه دار شدن اعتبار کارشناسان این مراکز را به دنبال داشته است. از سوی دیگر در چند سال اخیر بسیاری از فعالیت‌های مربوط به مراکز خدمات و ترویج جهادکشاورزی به شرکت‌های خصوصی واگذار گردیده است که در عین داشتن دانش نظری مورد نیاز لزوماً از توان و امکان انتقال آن به روستائیان برخوردار نبوده‌اند. در نتیجه بخش اعظم فعالیت آنها به دادن حواله به بهره‌برداران کشاورزی محدود شده است. در حالی که با توجه به سطح دانش این افراد می‌توان از طریق ارائه انواع مشوق‌های مختلف مالی و غیر مالی هم به مروجین و هم به مخاطبان روستائی آنها، دو طرف را در فرایندهای متقابل آموزشی و ترویجی درگیر نمود و ارتقاء سطح کیفی و کمی فعالیت بهره‌برداران را موجب شد.

منابع:

۱. پاسبان فاطمه (۱۳۸۶): «بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال غیر زراعی در استان خراسان»، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، تهران.
۲. پزشکی راد غلامرضا و امیر نعیمی (۱۳۹۰): «بررسی عوامل آموزشی- ترویجی مؤثر بر بکارگیری گیاهان تراریخته از نظر متخصصان بیوتکنولوژی مراکز تحقیقات استان تهران»، فصلنامه اقتصاد و توسعه کشاورزی، شماره ۲۵، تهران، صص ۹-۱.
۳. تصدیقی بهروز (۱۳۸۲): توسعه پایدار مبانی فلسفی و تحلیل آن از دیدگاه اکولوژیست‌ها و اکونومیست‌ها، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.
۴. سیف‌الهی محمود، برقی حمید، و یوسف قنبری (۱۳۸۹): «اثرات آموزش‌های غیررسمی بر توسعه اقتصادی روستاها (مطالعه موردی روستاهای شهرستان فریدن استان اصفهان)»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، دوره دوم، شماره ۶، اصفهان، صص ۱۱۶-۹۵.
۵. صیوری محمدصادق و احمد رضا عمانی (۱۳۸۸): «تأثیر فعالیت‌های آموزشی و ترویجی بر بهبود مراحل زراعت پنبه (از دیدگاه پنبه کاران دشت گرمسار)»، فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۴، تهران، صص ۶۳-۵۱.
۶. عبدالملکی محمد، پزشکی راد غلامرضا، چیدری محمد (۱۳۸۶)، بررسی اثربخشی دوره‌های کوتاه مدت آموزشی ترویجی مرتعداران در شهرستان تویسرکان، فصلنامه علوم کشاورزی، شماره ۱۳، ۳۹-۵۳.
۷. علی‌بیگی امیرحسین و لیلیا بنی عامریان (۱۳۸۸): «عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی؛ مطالعه موردی شهرستان سنقر و کلیایی»، فصلنامه مطالعات زنان، شماره ۲۰، تهران، صص ۱۳۳-۱۱۵.
۸. علی میرزایی عرفان، اسدی علی و احمدرضا عمانی (۱۳۸۹): «تأثیر به کارگیری مواد و وسایل آموزشی بر آموزش‌های ترویجی کشاورزی»، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۱۲، تهران، صص ۵۴-۴۴.

۹. کامیابی سعید و رضا زیاری (۱۳۸۹): «بررسی آزمون آماری فرضیات راهکارهای افزایش آموزش کمی و کیفی در روستاها و مناطق محروم با استفاده از نرم افزار SPSS؛ مطالعه موردی: روستاهای استان سمنان»، فصلنامه آمایش محیط، سال سوم، شماره ۸، ملایر، صص ۱۸۲-۱۵۷.
۱۰. کفایی لطفی شادی، چیدری محمد و غلامرضا پزشکی راد (۱۳۸۶): «عوامل آموزشی ترویجی جلوگیری کننده از ایجاد ضایعات پس از برداشت سیب از دیدگاه باغداران سیب شهرستان دماوند»، فصلنامه علوم کشاورزی ایران، شماره ۳۸ (ویژه اقتصاد و توسعه کشاورزی)، تهران، صص ۳۶۸-۳۵۹.
۱۱. کلاتتری خلیل، اسدی علی، شعبانعلی فمی حسین و دیگران (۱۳۸۵): «اعتبارسنجی شاخص‌های ترویجی به منظور رتبه‌بندی استان‌ها از نظر فعالیت‌های آموزشی-ترویجی»، مجله کشاورزی، شماره ۸، تهران، صص ۷۰-۵۷.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵): نتایج سرشماری نفوس و مسکن شهرستان سمیرم، تهران.
۱۳. مطیعی‌لنگرودی حسن (۱۳۸۲): برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاددانشگاهی، چاپ اول، مشهد.
۱۴. میرک زاده علی اصغر، علی آبادی وحید و علی شمس (۱۳۸۹): «واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱۳، تهران، صص ۱۶۵-۱۴۷.
۱۵. یعقوبی جعفر و برات علی جبلیه (۱۳۸۹): «نقش فناوری‌های سیار در ارائه خدمات آموزشی و ترویجی به روستائیان: مطالعه موردی استان زنجان»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱۳، تهران، صص ۱۴۵-۱۲۹.
16. Barret,c,readon,T & Webb, p (2001): Nonfarm income diversification and household livelihood strategies in rural Africa: concept, dynamics and policy implication. Food policy 26(4).
17. Lanjouw, P (2001): Nanfarm employment and poverty in rural El Salvador, world development 29(3).
18. Lanjouw,P, & Feder, G (2001): Rural nonfarm activtities and rural development: from experience towards strategy. World bank rural development strategy background paper no.4. world bank, Washington , DC.
19. Davis, junior (2003): The rural nonfarm economy, livelihoods and their diversification: issues and options. NRI report No 2753, world bank.
20. FAO & UNESCO (2003): Education for rural development, towards new policy responses.
21. Paswel phiri Mareyna & Christopher B , barrett (2003): Education, nonfarm income and farm investment in land-scarce western Kenya, Basis Briff. N. 14.
22. Moulton Jeanne (2002): Improving education in rural areas: Guidance for rural development specialists, world bank.
23. World Bank (2000): Gender,Poverty and Nonfarm Employment in Ghana and Uganda.
24. World Bank (2000): Development Research Group,Rural Development and Human Development Network;Social Protection Team,June 2000.
25. World Bank (2001): Rural Non-Farm Activities; and Rural Development; From Experience Towards Strategy.
26. World Bank (2001): Nonfarm Income, Inequality, and Poverty in Rural Egypt and Jordan ,The World Bank; Poverty Reduction and Economic Management Network Poverty Division.
27. World Bank (2005): Rural Reform, Nonfarm Development, and Rural Modernization In China; Dong Fureng.